

سیما ساعدی*

سید سعید سید احمدی زاویه**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۵

عوامل مؤثر بر کاربرد رنگ در فرش یزد

چکیده

منطقه‌ی یزد محل شکل‌گیری هنرهای متفاوتی بوده که با تأثیرپذیری از اوضاع خاص حاکم بر منطقه، شکل گرفته است. هنر فرش‌بافی در این استان به عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی هویت خاص خود را مرهون محیط و بستر فرهنگی جامعه است. با توجه به این که رنگ در بین عوامل نقش، بافت و عوامل فرعی اندازه و ماده‌ی اولیه، اصلی‌ترین و مهم‌ترین نقش را در جذب بیننده دارد، این فرضیه که ترکیب‌بندی رنگی منطقه با هویت اقلیمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها ارتباط مستقیم دارد مطرح می‌شود. هدف از این پژوهش، شناخت تفصیلی ویژگی‌های رنگ در فرش استان یزد است تا به توان به این مسأله پاسخ داد که عوامل مؤثر بر کاربرد رنگ در فرش یزد چیست. بدین منظور عواملی نظیر رنگ در فرش یزد و عوامل تأثیرگذار در رنگ فرش یزد که به اوضاع اقلیمی و جغرافیایی، اوضاع اجتماعی و سیاسی و عوامل فرهنگی طبقه‌بندی شد، مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت، ویژگی‌های اقلیمی آن، که منطقه‌ای است گرم و کوبری، کم باران و خشک با انواع گیاهان رنگ‌زا و کیفیت آب‌های این استان که از عوامل تأثیرگذار در رنگ فرش این استان می‌باشند مورد بررسی قرار گرفته است. ویژگی‌های فرهنگی نیز که شامل تأثیر از فرهنگ پیشین و شهرهای هم‌جوار، حفظ ساختار سنتی، نوع معماری، تأثیرات حسی و عوامل تحمیل شونده است و همچنین ویژگی‌های اقتصادی و صنعتی، وجود صنایع گوناگون، نساجی استان، عبور جاده ابریشم از منطقه، رویکردهای معیشتی و ویژگی‌های اجتماعی نظیر درون‌گرایی، تولید در راستای فرهنگ بومی، تناسب با طبقه اجتماعی، ویژگی‌های رنگی فرش یزد به شمار می‌آیند که بر هنر و صنعت و رنگ فرش آن تأثیر گذاشته و عوامل مؤثر بر کاربرد رنگ در فرش این استان می‌باشند. پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی است که با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه به انجام رسیده است.

واژگان کلیدی:

فرش یزد

فرش

رنگ

کارشناس ارشد صنایع دستی، گرایش پژوهش دانشگاه هنر تهران*

Simasaedi_65@yahoo.com

دانشیار دانشگاه هنر تهران**

ssazavieh@yahoo.com

مقدمه

امروزه بسیاری از دست‌اندرکاران تولید فرش به موضوع اهمیت رنگ و امکان آن در توسعه و ایجاد تحول و پویایی در آن به خصوص از منظر اقتصادی واقف هستند. بنابراین از یک سو پرداختن به آن به واسطه‌ی تنزل دائمی جایگاه فرش ایران از لحاظ تثبیت و رونق جایگاه بازار بین‌المللی اهمیت اساسی دارد و از دیگر سو با توجه به تحولات اجتماعی و چشم‌انداز دهه‌های آتی بازار فرش که احتمالاً بازارهای خاصی با کالایی ویژه خواهد بود، حائز اهمیت است. با توجه به اینکه رنگ اصلی‌ترین و مهم‌ترین نقش را در جذب بیننده دارد، با این حال پژوهشی با موضوع پراهمیت رنگ در هویت‌بخشی به فرش ایرانی به ویژه فرش یزد صورت نگرفته است.

هنر فرش‌بافی در یزد به عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی هویت خود را مرهون محیط و بستر فرهنگی جامعه و تاریخ آن است. آن چه در این‌جا مورد توجه قرار دارد مجموع این عوامل است که در رنگ فرش این استان به عنوان اثر هنری هنرمند، با ویژگی‌ها و خصوصیات فرهنگی و هویتی خاص آن منطقه نمود پیدا می‌کند. هنرمندانی که هر کدام بنابر مقتضیات خود در چگونگی تولید آن نقش دارند، می‌کوشند تا این دست‌بافته تولید شود. یک طراح که دارای ذوق و سلیقه خاصی است، در یک منطقه‌ی خاص زندگی می‌کند که آن منطقه طرح‌های مخصوص به خود را دارد. او در جامعه‌ی زندگی می‌کند که بر اساس ارزش‌ها، هنجارها و باورهای خاص شکل گرفته، مسلماً دارای روحیات و آموخته‌هایی است که در رنگ و طرح اثر می‌گذارد، نزد استادانی شاگردی کرده و از آن‌ها آموخته که آموزه‌های آن اساتید در طراحی‌اش دیده می‌شود، یک رنگرز با آموخته‌ها و دانسته‌هایش، با شیوه خاص خود، با مواد اولیه‌ای که در دسترس دارد، با گیاهانی که در منطقه روئیده می‌شود به رنگ کردن خامه‌های فرش می‌پردازد و بافنده‌ای که در نهایت، شکل‌دهنده نهایی قالی است و گره بر تاروپود قالی می‌زند و عوامل بسیار دیگر مانند عوامل فنی، موادی که یک رنگرز مصرف می‌کند، نوع پشمی که از منطقه یا خارج از آن به دست رنگرز می‌رسد، شیوه شستشوی پشم، نوع خشک کردن آن پس از رنگرزی، نوع آبی که مصرف می‌شود و عوامل دیگر دخیل در رنگرزی، شرایط اقلیمی، اجتماعی و سیاسی، همگی باید مورد بررسی قرار گیرد تا چگونگی شکل‌گیری و بافت قالی به طور دقیق مشخص شود. از این رو شناخت این ویژگی‌ها این امکان را فراهم می‌آورد که علاوه بر پرداخت علمی به مقوله رنگ در فرش یزد، و کاربردی کردن آن در صنعت فرش بتوان از انزوای این مؤلفه اساسی و تأثیرات منفی آن بر فرش ایرانی جلوگیری نمود و به دنبال آن با توجه به گستره‌ی علمی این مقوله در مسیر اعتلای این صنعت، فرهنگ و میراث ماندگار گام‌های مطمئنی برداشت.

در این پژوهش عوامل تأثیرگذار در انتخاب و کاربرد رنگ در فرش یزد مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب این فرضیه مطرح شود که با توجه به این که به لحاظ علمی، رنگ مهم‌ترین خصلت شی است که در اولین مرحله از شناخت اتفاق می‌افتد، به نظر می‌رسد که علی‌رغم وجود تنوع رنگی در فرش یزد، ترکیب‌بندی رنگی منطقه با هویت اقلیمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها ارتباط مستقیم دارد.

در برخی موارد تنوع رنگی فرش یزد به ۳۰ رنگ می‌رسد، هدف اصلی این پژوهش، شناخت تفصیلی ویژگی‌های رنگ فرش این منطقه است. پرسش‌های این تحقیق بدین شرح است: آیا رنگ فرش فقط بر اساس ذوق و سلیقه طراح است و یا نظر کامل یک تولید کننده در انتخاب و کاربرد آن دخیل است؟ عوامل دیگری شکل‌گیری رنگ فرش یک منطقه چیست؟ عوامل مؤثر بر کاربرد رنگ در فرش یزد چیست و بستگی و پیوستگی این ویژگی‌ها با اقلیم، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع چگونه است؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و از نوع مطالعات کیفی است. متغیرهای مستقل این تحقیق رنگ و فرش یزد هستند، در این مطالعه با توصیف و تحلیل رنگ و ارتباط آن با فرش یزد، به روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شده است. همچنین از طریق مصاحبه با استادان متخصص در حوزه‌ی فرش یزد، جامعه شناسی، روان شناسی و اطلاعات گردآوری شده از مرکز ملی و شرکت سهامی فرش ایران نیز به تکمیل و بررسی داده پرداخته شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

در مقاله‌ی نقش و رنگ در دست‌بافته‌های سنتی یزد، نوشته‌ی سید مهدی آیت‌اللهی (۱۳۷۲)، علل و عوامل پیدایش نقش و رنگ، بنا به موقعیت جغرافیایی هر منطقه، نقش اقلیم کویر در شکل‌گیری هنرهای این استان، صنعت نساجی و رنگ‌های مورد پسند دوران گذشته و اشاره به رنگ‌ها در آثار غیاث‌الدین پرداخته شده است.

رنگ در فرش یزد

منطقه‌ی یزد محل شکل‌گیری هنرهای متفاوتی بوده است که با تأثیرپذیری از شرایط خاص حاکم بر منطقه، شکل گرفته‌اند. این استان از گذشته یکی از مراکز مهم تجاری در کشور بوده است. سیسیل ادواردز در کتاب *قالی/ایران*، در این خصوص می‌نویسد: «یزد در ایران اصلی قرار دارد و شهری است خوب و اصیل و تجارت بسیار خوبی دارد.» (قلم‌سیاه، ۱۳۷۵: ۱۱). یزد یکی از استان‌های مرکزی و کویری کشور و در بین استان‌های خراسان، شیراز و اصفهان و در «مسیر خلیج فارس و همچنین در مسیر راه جنوبی ایران به هندوستان نیز واقع شده است» (علمدار یزدی، ۱۳۸۰: ۱۴). وجود راه ابریشم که یکی از شاهراه‌های اقتصادی کشور محسوب می‌شده است، سهم عمده‌ای در پیشرفت هنرهای دست‌باف به ویژه در شهر یزد داشته است. راه یکی از عمده‌ترین عوامل زیربنایی اقتصادی و تجارت یزد محسوب می‌شده است. از چنین راهی باید کالایی ارزشمند که حاصل فکر، تمدن، فرهنگ و اقتصاد ملت‌ها بود، تبادل می‌شد که این خود عامل عمده‌ی گرایش بیشتر مردم یزد، به سوی صنعت شد؛ تا آن‌جا که امروزه یزد نه تنها به سبب معماری و بناهای خاصش، بلکه به سبب وجود صنایع گوناگون از جمله صنعت بافندگی شناخته شده است. آن‌چه

موجبات پیشرفت این صنعت را فراهم نمود، گرایش مردم یزد به صنعت بافندگی و پایین بودن سطح دست‌مزد و قناعت کارگر یزدی بوده است.

این شهر از گذشته تا به امروز یکی از مراکز مهم نساجی ایران علی‌الخصوص بافت انواع پارچه‌های ابریشمی و شال بوده است. ساکنان یزد با توجه به خصوصیات اقلیمی و جغرافیایی خاص منطقه‌ی کویر، در زمینه‌ی صنایع دستی به ویژه پارچه‌بافی و قالی‌بافی، پیاده کردن طرح و نقش و رنگ‌رزی به طریقه‌ی سنتی مهارت داشتند و آثار ارزشمندی که سرشار از روح و رنگ بود را خلق کردند. در این خصوص می‌توان گفت که شاید در این استان «مهم‌ترین امتیاز دوره‌ی صفویه نسبت به دوره‌های دیگر از نظر بافندگی، نزدیکی فراوان هنر نقاشی با صنعت بافندگی بود و از تطابق پارچه‌ها و نقاشی‌های آن دوره به خوبی می‌توان فهمید که طراحان پارچه‌های عالی همان نقاشان معروف بودند که حتی همان رنگ‌های کدر و ملایم که در نقاشی‌های صفوی مرسوم بود برای اولین بار در پارچه‌بافی یزد نیز تجلی کرد. رنگ‌های به کار رفته در آثار غیاث‌الدین، بزرگ‌ترین طراح آن دوره: نارنجی، سبز زمردی، سرخ یاقوتی، سرخ آتشین، سرخ تیره، آبی ملایم، آبی تیره، سیاه، خاکستری، کرم، نقره‌ای است» (آیت‌اللهی، ۱۳۷۲: ۳۱).

فرش نیز از جمله هنرهای اجتماعی است که با نوع زندگی مردم این منطقه تطابق دارد و بخشی از اعتقادات مذهبی، تاریخ، معماری، طبیعت و گویش مردم این نواحی نیز، بر آن نقش بسته و نقش قابل توجهی در رشد اقتصادی کشور داشته است. «مناطق‌ی چون اردکان، ابرکوه یزد، مهریز، خاتم، تفت، صدوق، بافق، طبس و میبد از جمله مراکز فعال در زمینه‌ی قالی‌بافی این استان هستند. به طور کلی، شیوه‌ی بافت این استان فارسی‌باف است که از گره نامتقارن استفاده می‌شود، رنگدانه‌های گیاهی رایج هم بیشتر در شهرهای یزد و ابرکوه به چشم می‌خورد» (بصام و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۰۱). رنگ در این استان ویژگی خاص خود را دارد. در واقع نمی‌توان فرهنگ یزد را بدون رنگ فیروزه‌ای آسمان و رنگ خاکی کویر و بناهای خشتی و کاه‌گلی تصور کرد. همان طور که کاربرد رنگ در مساجد، سفال‌ها، منسوجات سنتی یزد از فام‌های خاص رنگی با شدت رنگی متناسبی پیروی می‌کند، رنگ در فرش این منطقه هم این‌گونه است. تعداد رنگ‌هایی که در این قالی‌ها به کار می‌رود در ارتباط با کیفیت قالی، نقشه و یا محل بافت آن، تا حدودی متفاوت است. رنگ‌رزی در این استان هم به صورت شیمیایی و هم گیاهی صورت می‌گیرد. «رنگ غالب در قالی یزد لاک‌ی یا کرم است و در حاشیه‌ی قالی‌های زمینه لاک‌ی از رنگ سرمه‌ای و در قالی‌های رنگ کرم از رنگ خاکی استفاده می‌شود. سایر رنگ‌های به کار رفته در قالی یزد عبارتند از: مشکی، قهوه‌ای، آبی، فیروزه‌ای، سبز و نیلی. روش بافت در قالی‌های یزد بیشتر دوپود و در برخی مناطق عشایری تک‌پود و در برخی موارد، مشابه با کرمان، سه‌پود است» (همان).

شباهت‌ها و همسانی‌های متعددی بین نگاره‌های فرش در نقاط مختلف ایران وجود دارد. مشابهت فرهنگی بین اقوام، همچنین سرعت ارتباطات و انتقال طرح و نقش و عناصر رنگ و رنگ‌رزی فرش به مناطق مختلف فرش‌بافی می‌توانسته موجبات این شباهت را فراهم آورد؛ درباره‌ی یزد و کرمان نیز چنین است. در گذشته به خاطر

پیشرفت قابل توجه‌ای که فرش ناحیه‌ی کرمان کسب کرده بود و به دلیل وجود طراحان و رنگ‌رزان و تولیدکنندگان خبره، بسیاری از تجار معروف غیربومی علاقه‌ی زیادی برای خرید و فروش این قبیل فرش‌ها داشتند. داد و ستد، مبادله‌ی کالا با کالا و بسیاری موارد دیگر نظیر ارزان‌تر بودن دستمزد در این منطقه دلیلی بر ورود فرش‌ها با نقوش اصیل کرمانی در یک دوره‌ی خاص به منطقه‌ی یزد شد. هانگلدین (تصویر ۱) در کتاب *قالی‌های ایرانی می‌نویسد*: «در این شهر محصولی بسیار زیبا ولی کاملاً محدود را داریم که پس از رها کردن نقش‌های قدیم سنتی، به شدت تحت تأثیر قالی‌های کرمان قرار گرفته است. به خصوص از زمانی که نقشه‌های قالی مورد استفاده است، این تأثیر بیشتر محسوس می‌باشد (ترکیبی از یک ترنج مرکزی که دارای آویزهایی است، و گل‌هایی به صورت دسته گل در زمینه‌ی قالی و همچنین لچک‌هایی در گوشه) که به طور کاملاً واضحی تأثیر سبک غربی در آن قابل تشخیص است. این قالی‌ها را از طریق چیرگی رنگ قرمز حاصل از قرمزدانه، رنگ آبی روشن یا تیره، و همچنین از طریق رگه‌های آبی رنگ که در پشت قالی قابل رؤیت است می‌توان تشخیص داد. این رگه‌ها مربوط به نخ‌های پودند که رنگشان آبی است. ارتفاع پرز این قالی متوسط یا بلند است. حالت نرمی و مخملی پرزها براق و پشم آن از نوع بادوام می‌باشد» (هانگلدین، ۱۳۷۵: ۷۶). بعد از نزول قالی کرمان بر اثر بی‌گربافی مردمان یزد به دلیل سفارش‌های زیاد فرش اصفهان و عدم خطرپذیری طراحان یزدی به تولید این فرش‌ها همت گماردند که در حال حاضر هم آثاری از طرح و نقش اصفهان، نایین و کاشان در منازل به چشم می‌خورد. البته در طی ۳۰ سال گذشته قالی یزد متأثر از کاشان شده است که هم‌چنان ادامه دارد (تصویر ۲). در حال حاضر طرح و نقش رایج در نقاط مختلف استان، طرح لچک ترنج کاشان است به طوری که هم‌اکنون فرش یزد با نقشه‌ی کاشان شناخته شده است (تصویر ۳). در واقع نیاز شدید بافندگان محروم یزدی به بافت قالی به عنوان یکی از راه‌های اصلی امرار معاش در شهر و روستاها امکان پذیرش هر گونه سفارشی را به آنان فراهم می‌آورد به طوری که امروزه نقشه‌های یکنواخت و تکراری مناطقی نظیر کاشان و نائین با فروش بالا را به نام قالی اردکان به فرهنگ مردم این منطقه تحمیل کرده‌اند. بدین ترتیب دست یافتن به ریشه‌ی پیدایش اولین ایده و فکر و این که کار توسط چه کسی و در چه زمان صورت گرفته، امکان پذیر نیست. با این وصف علی‌رغم توسعه‌ی قالی‌بافی، استان یزد در امر تولید قالی از سبک خاصی برخوردار نیست. «در واقع استان یزد را می‌توان به دو ناحیه‌ی شمال و جنوب تقسیم نمود که ناحیه‌ی شمال از سبک کاشان، اصفهان و نائین و ناحیه‌ی جنوب از سبک کرمان پیروی می‌نماید» (وزیری فرد، ۱۳۸۱).

تاریخچه‌ی مشخص و مستندی در مورد قدمت اولین قالی‌های بافته شده در یزد و شهرستان‌های تابعه‌ی این استان در دست نیست. البته تعدادی از نقوش اصیل و کهن یزد را طراحان پارچه‌های دست‌باف روی کاغذ شطرنجی نقشه‌ی فرش منتقل کرده و نقوشی با اصالت و هویت یزدی طراحی کرده‌اند که با کمال تأسف امروزه از نمونه‌های بدیع و ارزنده‌ی قالی یزد تعداد انگشت شماری را می‌توان در برخی مجموعه‌های شخصی یافت. کسانی که در زمینه‌ی داد و ستد فرش فعالیت دارند تنها

به یادآوری اسامی اندکی از هنرمندان و تولیدکنندگان این منطقه بسنده می‌کنند.

طرح و نقش‌های این منطقه با وجود تنوع و غنای آن چندان شناخته شده نیست. شگرد بافت و نوع پشم قالی یزد منحصر به فرد است. به گفته‌ی عده‌ای از تولیدکنندگان فرش یزد، در گذشته طرح‌هایی مانند احمد مندآبادی (احمد محمدآبادی) به نام طراح آن که در روستای محمدآباد یزد که طرحی بیشتر با زمینه‌ی سرمه‌ای بود، طرح هراتی، طرح چهارخانه یا خشتی در یزد بافت می‌شد.

از طرح‌های دیگر این منطقه به طرح‌های سردار جنگی که یکی از طرح‌های قدیمی و نامی است می‌توان اشاره کرد. «در گذشته رنگ زمینه‌ی این طرح لاک‌ی و حاشیه سرمه‌ای بود. امروزه تغییراتی در این فرش رخ داده و رنگ آن کمی تغییر کرده است. رنگ متن فرش کرم و حاشیه خاکی شده است» (رستگار، افروغ، ۱۳۸۹).

«همچنین طرح گل ماهی یکی دیگر از طرح‌هایی است که در یک طرح آن هفت یا هشت رنگ به کار می‌رفته است. این طرح بیشتر در زمینه‌ی سرمه‌ای و حاشیه سرمه‌ای اجرا شده و در مساجد و تکایا پهن می‌شده است» (همان).

همان‌طور که گفته شد با ورود طرح‌های کرمان به یزد، طرح‌های مخصوص استان یزد رفته رفته جای خود را به طرح‌های کرمان داده و تنوع طرح‌های کرمان با بافت یزد در این استان بیشتر شد به طوری که امروزه در این شهر سالیانه قالی‌هایی بافته می‌شود که به سختی می‌توان آن‌ها را از قالی کرمان بازشناخت. نمونه‌ای از طرح‌های کرمان در یزد، طرح لاله یزدی می‌باشد. «رنگ‌ها در طرح لاله یزدی به طور قطع باید در جای مناسب خود قرار گیرند. مثلاً رنگ لاک‌ی در زمینه و فیروزه‌ای در لچک‌ها، سرمه‌ای در حاشیه‌ی پهن، لاک‌ی در حاشیه باریک و خاکی در طره‌ها. در طرح لاله یزدی موتیف‌ها، رنگ‌ها و حالت‌هایی وجود دارد که کاملاً منشاء کرمانی دارد و تحت تأثیر ادوار مختلف در طرح کرمان است» (همان).

طرح بند ماهی که در یزد با نام طرح شرق لندن شناخته شده است. طرح طال خونچه نیز از دیگر طرح‌هایی است که در این استان بافته می‌شده است.

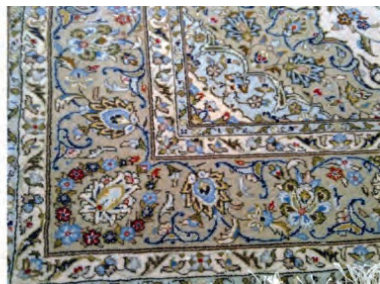
طرح‌های استان یزد با نام طراحان و تولیدکنندگان خود نیز قابل شناسایی هستند؛ آقایانی نظیر گلکار، درخشش، بینش، امام حسینی، غلامحسینی، مستوری، یزدان‌پرست، مصدق و... که هر کدام از تولیدکنندگان خاص یک سبک، با رنگ‌بندی خاص خود



تصویر ۱: نقشه‌ی قدیم کرمان در یزد
(مجموعه‌ی شخصی آقای احمد زارع، ۱۳۵۰، نگارنده).



تصویر ۲: نقشه‌ی قدیم کاشان در یزد
(مجموعه‌ی شخصی آقای احمد زارع، ۱۳۵۰، نگارنده).



تصویر ۳: نمونه‌هایی از کاربرد رنگ‌های سرد و روشن در طرح‌های قالی یزد (نگارنده).



تصویر ۴: طرح قالی یزد با رنگ‌بندی روشن و زمینه خاکی (مجموعه‌ی شخصی آقای مصطفی مستوری، ۱۳۹۰، نگارنده).

در یزد بودند. به طوری که از گذشته طرح شرق لندن در یزد در انحصار آقای یزدان پرست یا مصدق بود.

البته در گذشته در استان یزد طرح‌ها و نقشه‌های دیگری که متعلق به استان‌ها و شهرستان‌های دیگر نقاط ایران بود در این استان بافت می‌شد. در چند سال اخیر طراحان و تولیدکنندگان موفقیت‌هایی در خصوص اصلاح، ابداع و همچنین احیای نقوش و طرح‌های قدیمی کسب کرده‌اند.

در قالی یزد، بین ۱۲ تا ۳۰ رنگ مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گذشته رنگ رایج زمینه اغلب لاکه و سرمه‌ای و اکنون از رنگ‌های کرم و سبز استفاده می‌کنند. برای حاشیه نیز معمولاً رنگ‌های سرمه‌ای، خاکی و ترمه‌ای در نظر گرفته می‌شود. البته در طرح‌های درباری که جزء قالی‌های خاص، اعلا و نفیس و طبق سفارش، برای مشتریان خاص بافته می‌شوند علاوه بر لاکه‌های درخشان و سرمه‌ای از رنگ‌های خاصی مانند انواع زرد و طلایی، سبزه‌های خوش‌رنگ استفاده می‌شود و در واقع اکثر سفارشات بازار که برای مردم عادی بود طبق رنگ‌بندی کاشان، نایین، اصفهان با زمینه‌ی کرم و رنگ‌های سرد و خاکی که به نحوی در ارتباط با طبیعت پیرامون و نشان‌دهنده‌ی اقلیم کویر است بافته می‌شود (تصویر ۴).

در مورد رنگ‌زاهای موجود در یزد، بیان این نکته ضروری است؛ با اینکه بسیاری از تولیدکنندگان فرش این منطقه به استفاده از رنگ‌زاهای طبیعی از لحاظ کیفیت و ماندگاری و زیبایی فرش نسبت به رنگ‌زاهای شیمیایی آگاهند، اما به طور کاملاً محسوس رواج رنگ‌زاهای شیمیایی در بین تولیدکنندگان روز به روز افزایش یافته است به طوری که بسیاری از کارگاه‌های رنگ‌رزی سنتی در یزد از فعالیت بازمانده و یا سیستم رنگ‌رزی خود را از طبیعی به شیمیایی تغییر داده‌اند.

شماری از رنگ‌هایی که در این استان بیشترین استفاده را دارند به شرح زیر از چپ به راست معرفی شده‌اند:

مشکی (جفت) - سرمه‌ای (نیل) - فیروزه‌ای (نیل) - الماسی (نیل) - فیلی (نیل) + پوست



تصویر ۵: پالت رنگی قالی یزد (نگارنده).

گردو)-ساق چناری(نیل+پوست گردو+جاشیر)-فولادی یا دودی(نیل+پوست گردو)-بیدمشکی یا ماشی که به آن ارتشی و یا مله‌ای هم گفته می‌شود(پوست گردو+جاشیر+روناس برای قرمزی آن)-سبز پررنگ(جاشیر+نیل به نسبت سبز مورد نیاز)-قهوه‌ای(پوست گردو+پوست انار+روناس)-دارچینی(روناس+پوست گردو)-خاکی یا شتری(پوست گردو+روناس)-نخودی(جاشیر+پوست انار+اسپرک+برگ مو)-کرم (گاه گندم) یا (روناس+جاشیر)- پوست پیازی(پوست گردو+روناس)-مسی(روناس+اسپرک)-لاکی(روناس+جاشیر برای زردی آن)-روناسی(روناس)-سفید

البته این رنگ‌ها در مناطق مختلف با اسامی دیگری نام‌گذاری می‌شوند، مثلاً رنگ بیدمشکی که در قالی‌های یزد کاربرد دارد در کاشان با نام مله‌ای و در بعضی مناطق با نام ماشی نام‌گذاری شده‌اند. از کم‌رنگ یا پررنگ کردن هر یک از آن‌ها به وسیله‌ی دندانه‌ها و مواد کمکی، رنگ‌هایی حاصل می‌شود که در بافت قالی‌های این منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

عوامل تأثیر گذار بر رنگ فرش یزد

در یک تقسیم‌بندی، عوامل فرهنگی، عوامل زمان و مکان و موقعیت اقلیمی و جغرافیایی که در رنگ فرش استان یزد اثرگذار است را می‌توان بررسی نمود:

الف- موقعیت اقلیمی و جغرافیایی:

ویژگی‌های منطقه‌ای و جغرافیایی چون آب و هوای گرم و خشک کویر، وسعت منطقه، منابع طبیعی، ثروت‌های زیرزمینی و پراکندگی جمعیت تأثیر عمده‌ای بر شغل، روحیه، اندیشه و بالاخره فرهنگ و هنر فرش‌بافی مردم استان یزد داشته است. شرایط اقلیمی و جغرافیایی خود شامل عوامل گوناگون دیگری است که تا حدودی به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. آب و هوا و محل زندگی

آب و هوای یزد بر منش و رفتار، نوع معماری، پوشاک، خوراک، هنر و صنعت این استان تأثیر گذارده است. یک فرد یزدی مسکن خود را آن گونه می‌سازد که کاهش گرمای محیط را به دنبال داشته باشد. وضعیت آب و هوا در زندگی عادی و روزمره این افراد و جامعه بی‌تأثیر نبوده است. همین‌طور نوع خوراک شخصی که در این منطقه زندگی می‌کند با نوع خوراک شخصی که در منطقه‌ی سردسیر زندگی می‌کند به‌طور قطع متفاوت است. انسان‌ها لباس خود را متناسب با آب و هوای منطقه تهیه می‌کنند. هنر و صنعت مردم ساکن در نقاط مختلف کشور با آب

و هوا و خلق و خوی مختلف نیز متفاوت است. البته در نقاط مختلف جغرافیایی که از وضعیت آب و هوایی تقریباً یکسانی برخوردارند و انسان‌هایی با سنت‌ها و اعتقادات مشترک زندگی می‌کنند، آثار هنری آنان به دلیل سازگاری با محیط مشابه هم می‌باشد. هر چه بیشتر به مرکز ایران نزدیک می‌شویم شاهد رشد و گسترش فرش بافی و قالی بافی خواهیم بود. یزد شهری است کم باران و عدم رونق کشاورزی در آن یکی از دلایل گسترش و رونق هنرها، صنایع دستی و فرش دست باف در این استان می‌باشد. در مناطق مرکزی ایران و به خصوص شهرهایی مانند کاشان و اصفهان که در همسایگی یزد هستند تنوع رنگی زیادی دیده می‌شود. البته رنگ‌ها سرزندگی و طراوت گلیم‌های مناطق شمالی کشور را ندارند، اما ماتی و خلوص رنگی کمی نیز ندارند. رنگ‌ها بیشتر در مایه‌های روشن بافته می‌شوند از رنگ‌های آبی، قرمز و کرم زیاد استفاده می‌شود و دیگر رنگ‌ها نیز هر کدام جایگاه ویژه‌ای دارند. می‌توان گفت که پالت رنگی در هنر مردم هر منطقه تماماً بستگی به آن ناحیه و امکاناتش در زمینه‌ی رنگ و مواد اولیه دارد. سلیقه‌ی آنان نیز در انتخاب رنگ به علل جغرافیایی مختلف و ترکیب رنگ و رنگ آمیزی نیز به طور طبیعی تابع درخشش هوا، ملایمت محیط، و تند و تیزی نور یا یکنواختی آن قرار دارد.

با این اوصاف می‌توان گفت که رنگ در فرش یزد مفهومی کاملاً پیوسته با هویت و فرهنگ کویر است. انتخاب رنگ‌های قرمز لاک‌ی و سرمه‌ای در فرش‌های اولیه یزد در حدود ۶۰ تا ۷۰ سال پیش در زمانی صورت می‌گیرد که فرش ایران دوره‌ای از حضور رنگ‌های پرتنوع و جذاب را سپری می‌کند (محدوده از رنگ‌های لاک‌ی روناسی، قرمزها، سرمه‌ای و پوست گردو و انار) و این جریان در تمام پهنه جغرافیایی تولید فرش در ایران اعم از کرمان و اصفهان و خراسان و تبریز و کاشان و کردستان و یزد کیفیت مشابهی دارد. امروزه حضور رنگ‌های سرد و روشن در فرش یزد تا حدودی برگرفته از رنگ‌های موجود در محیط کویر و طبیعت اطرافشان است. حضور رنگ‌های سرد در هنر فرش بافی این استان، نقش آفتاب و رنگ خاک، از غباری که در هوا و فضای کویر جریان دارد و بر چهره مردم کویر می‌توان مشاهده کرد، دلیلی برای تأثیر آب و هوا در رنگ فرش این منطقه است.

۲. پوشش گیاهی منطقه و گیاهان رنگزای آن

رنگ‌های گیاهی هر منطقه‌ای، همراه با طرح و بافت آن منطقه می‌تواند دست‌بافته‌ای تولید کند که دارای هویت اصیل و هویتی بومی است و این تا آن درجه اهمیت پیدا می‌کند که می‌توانیم ادعا کنیم که شناسنامه این فرش کاملاً مربوط به همان منطقه است و از مصالح و مواد اولیه بومی همان منطقه تهیه شده است و این دلیلی بر ارزشمندی این کالای تولیدی می‌باشد.

بدیهی است که به همین نسبت، تقریباً می‌توان در نواحی مختلف، تمایزاتی را به لحاظ کاربرد نوع رنگ پیدا کرد که با پوشش گیاهی منطقه، تطابق دارد. سن گیاه، نوع خاکی که گیاه در آن پرورش می‌یابد، نوع آب و هوایی که گیاه در آن رشد می‌کند همگی می‌تواند باعث متفاوت شدن رنگ‌دانه‌های موجود در گیاه شود.

در زیر گیاهانی که در رنگرزی این منطقه استفاده می‌شود، همراه رنگ تولیدی آن به صورت جدولی دسته بندی شده است:

جدول ۱: گیاهان رنگزای یزد به همراه رنگ تولیدی (رمضان خانی، ۱۳۸۷: ۱۶۲).

منبع رنگ	رنگ
ریشه روناس	نارنجی- قرمز
جفت	بنفش- قرمز
برگ حنا	قرمز- قهوه‌ای
زعفران	قرمز
نیل	آبی یا آبی تیره
اسپرک	زرد
ریشه توت	زرد
پوست گردو	قهوه‌ای- خاکستری
زردچوبه	زرد پررنگ
برگ مو	زرد روشن
برگ توت	زرد روشن
برگ چای	زرد- قهوه‌ای
پوست انار و پوست گردو	قهوه‌ای- خاکستری
کنده درخت بقم	بنفش و سیاه
پوست بلوط	قرمز مایل به قهوه‌ای
برگ جفت، پوست بلوط و برگ سماق	قرمز- قهوه‌ای
برگ سماق	قهوه‌ای- قرمز
پوست درخت	قهوه‌ای- زرد
پوست خسته‌ناس	قهوه‌ای

اکثر این گیاهان رنگ‌زا در پوشش گیاهی این استان یافت می‌شوند، ولی بیشترین تولیدات استان مربوط به گیاه روناس است، به طوری که مزارع کشت این گیاه در یزد و شهرستان‌های آن به وفور یافت می‌شود. در گذشته رنگ قرمز روناس مطلوب‌ترین رنگی بوده است که در اکثر ترمه و قالی‌بافی یزد از آن استفاده می‌کردند. رنگی که از روناس در منطقه یزد به دست می‌آید با رنگی که از همین گیاه در منطقه کاشان یا خراسان به دست می‌آید، متفاوت است. روناس از یزد برای رنگ‌رزی به هندوستان، سوریه، ترکیه و همچنین کشورهای اروپایی صادر می‌شده است. جنس روناس یزد در رنگ آن تأثیرگذار است. از ریشه گونه‌ای که در این منطقه می‌روید لاک‌ی کم‌مایه‌تری نسبت به گونه‌های مناطق سردسیر به دست می‌آید. رنگ لاک‌ی به دست آمده از آذربایجان و خراسان که مناطق سردسیر هستند با رنگ‌های بدست آمده از روناس یزد، کرمان و فارس که مناطق گرمسیر محسوب می‌شوند، تفاوت بارزی دارد به طوری که این تفاوت در رنگ قالی‌های مناطق مختلف کاملاً مشهود است.

۳. عوامل طبیعی دخیل در رنگ‌رزی؛ مانند: آب و تابش آفتاب

آب: یکی از دلایل تفاوت رنگ با یک گیاه مشترک یا یکی از دلایل عدم یکنواختی رنگ خامه فرش می‌تواند نوع آب منطقه باشد. آب منطقه یزد از جمله، آب شهرستان‌های اردکان، میبد، عقدا و... دارای املاح زیادی است و از درجه خلوص بالایی

برخوردار نیست به طوری که این املاح در رنگرزی بر روی مواد رنگ‌زا و الیاف تأثیر گذاشته و رنگ‌های حاصله تا حدودی از شفافیت و درخشندگی برخوردار نیستند. تابش آفتاب: منطقه یزد دارای آفتاب بسیار شدید است و رنگ‌رزان خامه‌های رنگ شده را معمولاً در سایه می‌خشکانند تا از نقص ذکر شده در امان باشند.

۴. مواد اولیه طبیعی (پشم، پنبه، ابریشم و ...)

پنبه: «پولاک» در سفرنامه‌اش در این‌باره نوشته است: کشت پنبه از گونه‌ی زرد آن که الیاف کوتاه و خشن دارد کمتر است و بیشتر از نوع زیبای سفید آن به طور وسیع در اطراف اصفهان، یزد، شیراز، آبادیه نزدیک تخت جمشید و... رواج دارد» (رمضان‌خانی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

ابریشم: ابریشم را می‌توان از تولیدات عمده‌ی یزد که بهترین ابریشم ایران نیز محسوب می‌شود، به‌شمار آورد. همچنین از این ابریشم‌ها برای بافت قالی‌های ابریشمی نفیس با رنگ‌های براق و زیبا در این استان استفاده می‌شود. پشم: پشم گوسفند در نساجی یزد کاربرد دارد. این پشم دارای رنگ‌های سفید، سیاه، قهوه‌ای، خاکستری و بیشتر زرد مایل به شیری است که این خود می‌تواند عاملی برای کدر شدن رنگ‌های حاصل از رنگرزی با این الیاف شود. «الیاف پشم گوسفندان یزدی زبر و ضخیم بوده و خاصیت جذب رنگ این الیاف بسیار خوب است؛ بنابراین از آن‌ها به تنهایی یا مخلوط با الیاف پشم خارجی برای تهیه‌ی نخ‌های پرز و همچنین پود قالی‌های این استان استفاده می‌شود» (رمضان‌خانی، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

ب- اوضاع اجتماعی و سیاسی

رنگ فرش یک منطقه ممکن است به سبب اوضاع و احوال زمانی در دوره‌های مختلف دچار تغییراتی گردد که بخشی از این تغییرات به عواملی همچون سیاست‌گذاری دولت در خصوص اقتصاد و به ویژه در مورد فرش، بحث صادرات آن، تأسیس کارگاه‌های جمعی بافی دولتی و در برخی موارد شرایطی که در یک زمان خاص در یک مکان بر کل یک جامعه و یا یک منطقه تحمیل می‌شود بستگی دارد مانند: جنگ، رفاه نسبی، فقر و بدبختی، توسعه‌ی صلح، گسترش راه‌ها، توسعه‌ی ارتباطات و...

۱. تأثیر سیاست‌گذاری دولت در خصوص فرش و فرش بافی

این سؤال شاید به ذهن خطور کند که سیاست‌گذاری دولت در رنگ فرش هم تأثیر می‌گذارد؟ در واقع تصمیم‌های دولتی در یزد در خصوص تولید، تجارت و صادرات این هنر-صنعت، تصمیم در خصوص چگونگی تهیه مواد اولیه مثلاً واردات مواد رنگزای شیمیایی، اختصاص زمین‌های بایر برای کاشت گیاهان رنگ‌زا، ایجاد اتحادیه‌ها و تعاونی‌ها برای بهبود کیفیت تولیدات و همچنین آشنایی تولیدکنندگان و طراحان و رنگ‌رزان با رنگ‌های مورد پسند بازار طبق رنگ‌بندی روز دنیا، تبلیغات گسترده جهانی دولت در امر صادرات و فروش فرش، رسیدگی به امور اشتغال و بیمه رنگ‌رزان، طراحان و بافندگان، در رنگ و رنگ‌بندی فرش این منطقه تأثیر گذار بوده است.

۲. عوامل تحمیل شونده بر جامعه‌ی هنرمند

عواملی که در یک دوره بر جامعه و یا بر یک منطقه تحمیل می‌شوند و

می‌توانند در اقتصاد، فرهنگ، روحیه و روان آن جامعه و به تبع آن شهرهای آن جامعه تأثیر بگذارند. مثلاً جنگ، اختلافات قبیله‌ای، وضع نامساعد اقتصادی مملکت یا یک قوم خاص، عواملی مانند بیماری فراگیر، توسعه‌ی صلح، گسترش راه‌ها و توسعه‌ی ارتباطات، حوادث طبیعی دوره‌ای خاص و موارد دیگر بر روی هنر و صنعت آن جامعه و یا قوم تأثیر می‌گذارد. بنابراین دنیای پیرامون یک هنرمند و یا یک صنعتگر بدون شک بر روی صنعت و یا هنر وی تأثیرگذار است. در این خصوص می‌توان به گسترش راه‌ها و حضور جاده‌ی ابریشم که باعث توسعه‌ی ارتباطات و مسیری برای انتقال فرهنگ به این استان بود اشاره کرد. این عامل منجر به پیدایش سفارش‌هایی از سوی کشورهای دیگر از جمله هند شده بود که بر اساس آن تولیدکنندگان، قالی‌هایی با رنگ‌بندی خاص و به صورت محدود تولید می‌کردند. همچنین عواملی نظیر فقر طبیعت و به گفته‌ی تولیدکنندگان فرش دست‌باف، دوران جنگ ایران و عراق که به دنبال خود فقر مالی، فرهنگی را به دنبال آورد عوامل تأثیرگذار در رنگ فرش این منطقه بود، به طوری که برای تأمین نیاز خود ناگزیر به تقلید و تولید طرح‌ها با رنگ‌بندی مناطق دیگر شدند.

ج- عوامل فرهنگی

این قسمت می‌تواند شامل تقابل و جابجایی فرهنگ‌ها و پیشرفت فناوری باشد. مجموعه هنجارها، قوانین، عرف‌ها و سنت‌هایی که درون فرهنگی مانند فرهنگ یزد شکل گرفته و باید از سوی آنان رعایت شود، مسلماً بر روی فرد و هنر او تأثیر می‌گذارد. او در جامعه‌ای زندگی می‌کند که شامل یک سری محدوده‌هایی است که باید مورد توجه او باشد و وی ملزم به رعایت آن‌ها می‌باشد. جامعه نقش بسیار پررنگی بر شکل‌گیری و خلق یک اثر و یا صنعت دارد. باورهای بومی، مذهبی که هنرمند و جامعه بدان وابسته است، آداب و رسوم که در جامعه هنرمند عرف است، همه در اثر هنری نقش دارند. اگر به استان یزد نگاه کنیم درمی‌یابیم که بسیاری از آثار هنری و صنایع دستی خلق شده توسط هنرمندان و صنعتگران این منطقه از تأثیرات اجتماعی جامعه خود برکنار نبودند. در شهرهای کوچک و روستاهای استان یزد مشاهده می‌شود که در طی چند سال اخیر طرح و رنگ فرش این منطقه که با رنگ زمینه‌ی روشن بافته می‌شود، دچار تغییر نشده است؛ چرا که هنوز بافندگان تک‌باف این مناطق در شرایط سنتی خود به بافت طرح یکسان مشغول هستند و فرش این منطقه هنوز هم با یک طرح و رنگ خاص مورد شناسایی است. می‌بینیم که فرهنگ و هویت جامعه‌ی سنتی یزد بسیار سخت و دیر دچار تغییر می‌شود و اهالی سعی برحفظ ارزش‌ها و سنت‌های منطقه خود دارند. یزد از گذشته به پایگاه اعتقادات مذهبی شهرت داشته، فرهنگ خود را بر اساس اعتقادات و باورهای مذهبی شکل داده و هویت مذهبی را در آثار خود نمایان ساخته. بدین ترتیب یکی از عواملی که می‌تواند بر روی رنگ هنر آنان و فرش استان تأثیر گذار بوده باشد، باورهای مذهبی و عقاید دینی آن‌هاست؛ به طوری که یکی از علل وفور به کار بردن رنگ‌های آبی فیروزه‌ای و لاجوردی در هنر آنان (در کنار باورهای ایرانی) مذهب و عرفان است. رنگ «لاجورد» برای مردم این منطقه جنبه‌ی اعتقادی دارد و تقریباً در تمام هنرهای آنان نظیر، سفالگری، کاشی‌کاری، معماری،

زیلوبافی، قالی‌بافی و حتی نساجی و در بافت انواع پارچه‌های اعلا نظیر ترمه کاربرد دارد. همچنین رنگ «فیروزه‌ای» که تداعی کننده‌ی آسمان کویر و بیشترین کاربرد آن را در ابنیه‌ی مذهبی و مقدس شاهد هستیم، همراه «زرد» که آن نیز رنگی مقدس به معنی نور، الوهیت و پیامبری می‌باشد و رنگ «قرمز لاک‌ی» که به وفور و از گیاهان رنگ‌زایی که در اقلیم کویر از ریشه‌ی روناس در این منطقه گرفته می‌شد، در کنار رنگ «سبز» که طراوت و نشاط طبیعت زیبای ایران را دارد و رنگی روحانی بوده و به ائمه نسبت داده شده و رنگ افراد سازگار با محیط، بی‌تکلف و سنت‌گرا است، رنگ «اکر»، رنگ خاک کویر و بناهای خشتی و کاه‌گلی که با کم و زیاد شدن تنالیت‌های آن رنگ خاک محل سکونت آنان بود، به نوعی در فرهنگ عامه‌ی یزد کاربرد زیاد دارد.

۱. تقابل و جابجایی فرهنگ‌ها

احتیاجی نیست که فرهنگ‌های مختلف حتماً از سرزمین‌ها و کشورهای گوناگون باشند، بلکه ممکن است در یک کشور فرهنگ اقوام گوناگون و یا مناطق مختلف در هم اثر بگذارند و از هم تأثیر بپذیرند. در مورد اقوام و شهرهای ایران نیز این مسئله صادق است. به طوری که روستاها و شهرهای کوچک ممکن است تحت تأثیر فرهنگ شهرهای بزرگ‌تر قرار گرفته و فرهنگشان تغییر کند. البته از دست دادن سنت‌های گذشته به خصوص در مورد هنر و صنعت باعث از دست رفتن هویت آن قوم و ملت می‌گردد.

صنایعی نظیر نساجی، سفال و سرامیک، شیرینی‌پزی، بافندگی و... و حتی معادن ارزشمندی که در این منطقه وجود دارد سبب مهاجرت تعداد زیادی نیروی کار و به دنبال آن تبادل و جابه‌جایی فرهنگی از شهرها و حتی کشورهای مختلف به این استان شده است.

انتقال و جابه‌جایی رنگ‌رزان، طراحان، بافندگان و تولیدکنندگان فرش از منطقه‌ی کرمان به یزد موجب شد که این بافنده، رنگرز، طراح و صنعتگر آموخته‌ها و تجربه‌هایی که به همراه داشت و مربوط به فرهنگ منطقه، شهر و روستای خود را که در آن می‌زیسته، در منطقه یزد که به آن نقل مکان کرده منتقل نماید. همین‌طور طراحان اصفهانی و یا کاشانی که به شهرستان یزد سفر کردند مطمئناً برایشان سخت خواهد بود که گذشته و آموزه‌های چندین ساله خود را به فراموشی به‌سپارند و اینک خود را با طراحی طرح‌های فرش یزد و منطقه جدید تطابق دهند. از این‌رو ممکن است این طراح در شهر یزد به طراحی فرش‌های کاشان و اصفهان که همانا بیشتر طرح‌های لچک و ترنج شاه‌عباسی است به‌پردازد. بدین ترتیب مسئله مهاجرت، یکی از عواملی می‌شود که در رنگ فرش این منطقه تأثیر گذارده است.

گاهی بازار فرش و مشتریان آن، مناطق مختلف فرش‌بافی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب می‌شوند که این مناطق با رویکرد به بازار به سمتی گرایش پیدا کنند که آن‌ها طالب آنند. مثلاً در دوره‌ای که طرح و رنگ خاص کرمان و کاشان مورد توجه بازار به خصوص بازار جهانی فرش قرار گرفت شهرهایی مانند یزد سعی به تولید و بافت این فرش‌ها با همان طرح و رنگ کرده تا آنان نیز بتوانند در این میان جایگاه اقتصادی خود را به دست آورند. اگر در دوره‌ای رنگ‌های روشن خریدار

بیشتری داشته باشد، مناطق فرش بافی نزدیک و گاهی دور سعی می‌کنند همان ترکیب رنگی را برای بازار تولید کنند تا از گود رقابت اقتصادی عقب نمانند. این مسئله در خصوص رنگ‌های فرش کاشان و نایین که امروزه در یزد به وفور یافت می‌شود نیز صادق است.

۲. پیشرفت فناوری

فناوری نیز از عوامل مهمی است که بر رنگ فرش استان تأثیر گذاشته است. عواملی نظیر کارگاه‌ها و کارخانه‌های رنگرزی، شیوه‌های رنگرزی و میزان آشنایی رنگرز با رنگرزی و همچنین تهیه طرح و نقشه توسط طراح و رنگ و نقطه‌ی آن را می‌توان از علل توسعه و پیشرفت فناوری در این استان به شمار آورد.

الف. کارگاه‌ها و کارخانه‌های رنگرزی

در خصوص رنگ فرش در این منطقه می‌توان گفت که کارگاه‌ها و کارخانه‌های رنگرزی بزرگی در شهر یزد وجود دارد که با پیشرفت دانش و فناوری، کیفیت و یکدست شدن خامه‌های رنگرزی شده را بیشتر از مناطق روستایی و عشایر در آن مشاهده می‌کنیم.

ب. شیوه‌های رنگرزی و میزان آشنایی رنگرز با رنگرزی

شیوه‌های رنگرزی رنگ‌رزان تجربی هر منطقه با هم متفاوت است؛ مثلاً روش رنگرزی با روناس در یزد با روش رنگرزی آن در منطقه خراسان تفاوت دارد. این تفاوت‌ها ناشی از انتقال تجربیاتی است که از استاد کاری به شاگردانش منتقل شده و سپس آن‌ها نیز همان شیوه را انتقال دادند.

به غیر از تفاوت در نسخه‌های استادان رنگرز و عوامل مؤثر بر رنگ یک گیاه که باعث تغییرات شیده‌های رنگی می‌شود؛ میزان آشنایی یک رنگرز با شیوه‌های درست و صحیح رنگرزی خامه‌ها نیز در رنگ فرش یزد مؤثر است.

ج. تهیه طرح و نقشه توسط طراح و رنگ و نقطه آن

سلیقه و مهارت یک طراح و یا یک استادکار رنگ و نقطه و آشنایی آن با علم هم‌نشینی رنگ در نوع رنگ‌بندی فرش مؤثر است. وقتی در فرش بافی از رنگ صحبت می‌کنیم، دو مفهوم در ذهن ما شکل می‌گیرد، یکی رنگ و رنگرزی است و دیگری استادانه کنار هم چیدن رنگ‌هاست. رنگ و نقطه کردن در فرش یا همان رنگ آمیزی طرح از عواملی است که می‌تواند تعیین کننده رنگ فرش این منطقه به خصوص فرش‌های شهری استان باشد.

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

فرهنگ مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند بر اساس ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم، دین و مذهب، تاریخ، هنر، صنعت و... شکل می‌گیرد که تعیین کننده کیفیت و نوع زندگی آنان است. این تأثیر را در نوع و شیوه‌ی زندگی آنان، اعم از رفتار، پوشش، زبان، خوراک، هنر و حتی نحوه و دلایل انتخاب و کاربرد رنگ در تمام زمینه‌های زندگی آنان می‌توان مشاهده کرد.

استان یزد به دلیل قرارگیری در مسیر شاهراه اقتصادی کشور، یعنی مسیر جاده‌ی ابریشم، که به گونه‌ای نیز کانال ارتباطی شرق و غرب بود، شهری تجاری و

صنعتی به شمار می‌رفت. این جاده مسیری برای داد و ستد کشورهای چین و هند با ترکیه، کرانه‌های شرقی مدیترانه و کشورهای اروپایی بود و مسلماً یکی از کالاهایی که در آن زمان به دلیل رفت و آمد زیاد بازرگانان و تجار یزد به کشور هند احتمالاً جابه‌جا می‌شد فرش آن منطقه بود که بعضی از تولیدات علاوه بر رنگ‌بندی خاص منطقه که خود وام‌گیرنده از شهرهایی نظیر کرمان بود، طبق سفارش و رنگ‌بندی خاص با رنگ‌های زنده‌تر و تندتر برای هند بافته می‌شد.

صنایعی نظیر نساجی، سفال و سرامیک، شیرینی‌پزی، بافندگی و... و حتی معادن ارزشمندی که در این منطقه وجود داشت سبب مهاجرت تعداد زیادی نیروی کار و به دنبال آن تبادل و جابجایی فرهنگی از شهرها و حتی کشورهای مختلف به این استان شده است.

آب و هوای کویر مسیر تفکر، خلق و خوی، نوع زیست و اقتصاد و هنر این شهر را تعیین می‌کند. یزد دارای ساختاری سنتی بوده و همواره سعی در حفظ ارزش‌ها و سنت‌های اصیل ملی و مذهبی خود داشته است. فرهنگ جامعه‌ی یزد، که هنرمند یزدی در آن زندگی می‌کند دارای چارچوب‌ها و هنجارهای خاصی است که هنرمند هم از آن‌ها تأثیر پذیرفته و هم ناگزیر از رعایت برخی از آن‌ها است، به گونه‌ای که این تأثیرپذیری و الهام بخشی را در انتخاب رنگ در هر یک از هنرهای آنان از جمله هنر فرش‌بافی شاهد هستیم.

کنترل زاویه‌ی تابش خورشید و گرمای بیش از حد آن، نوع معماری خاصی را برای این منطقه رقم زده است. تأثیری که این نور بر منازل و فضای شهری داشته منجر به این شده که اهالی یزد در معماری این منطقه کاربرد رنگ‌های سرد را برای کاهش گرمای محیط به وفور استفاده کنند. در معرفی هویت شهرهای کویری از جمله یزد، می‌توان گفت چشم مردم کویر عادت به دیدن رنگ خاک دارد. رنگ بناها نیز بر این اساس، اغلب به رنگ خاک این منطقه، سرخ و قهوه‌ای یا آکر می‌باشد. آن‌ها رنگ را از محیط برگرفته و در ترکیبی از تنالیت‌ها و وارپته‌های متنوع، به بیانگری بصری خود هویت بخشیدند. از سفید کائولن تا عنابی‌های آخرا و سبزه‌های اکسید سرب تا زردهای گوگردی و از آبی‌های نیلی تا لاجوردی هر چیزی را جان بخشیدند.

البته این نکته را نباید فراموش کرد که در یک برهه‌ی زمانی، در گذشته در تمام پهنه‌ی جغرافیایی تولید فرش در ایران از آذربایجان گرفته تا خراسان و از شمال تا جنوب و... رنگ‌های لاک‌ی و سرمه‌ای به عنوان رنگ زمینه بیشترین کاربرد را داشته‌اند و یزد نیز از این قاعده مستثنی نبوده است، به طوری که در گذشته زمینه‌ی اکثر فرش‌های تولیدی آن با زمینه‌ی لاک‌ی و سرمه‌ای بود. ولی اکنون (از ۵۰ سال پیش تاکنون) به علت سفارش و مسیر حرکت بازارهای داخلی و خارجی به سمت رنگ‌های با تنالیت‌های سرد و روشن، این رنگ‌ها رو به سمت رنگ‌های گرم و سبز و تنالیت‌های روشن رفته است. در قالی یزد بین ۱۲ تا ۳۰ رنگ مختلف مورد استفاده واقع می‌شود که البته اسامی تعدادی از آن‌ها بر اساس گویش و نوع رنگ خاص رایج در منطقه نام‌گذاری شده است.

مشابهت فرهنگی بین اقوام و ملل گوناگون به دلیل نزدیکی و مبادلاتی که بین

آن‌ها برقرار می‌شود، موجبات این را فراهم آورده که در نقاط مختلف جغرافیایی که از وضعیت آب و هوایی تقریباً یکسانی برخوردارند و گروه‌های انسانی، با سنت‌ها و اعتقادات مشترک ساکن هستند، نتیجه‌ی آثار هنری آنان به دلیل سازگاری با محیط کاملاً مشابه هم باشد. درباره‌ی یزد و کرمان نیز چنین است. شاید به دلیل ارزان‌تر بودن دستمزد نیروی کار در این منطقه، نقشه‌های اصیل کرمان که به دلیل وجود طراحان و رنگ‌رزان و تولیدکنندگان خبره و تقاضای بسیار زیاد بازارهای داخلی و خارجی برای فرش‌ها مورد توجه تجار معروف غیربومی بود وارد یزد شد. در واقع حس رقابت برای کسب وضعیت مناسب بازار، سبب مهاجرت عده‌ای از این اساتید به این استان شد. که پس از آن هم شاهد این هستیم که نقشه‌های یکنواخت و تکراری مناطقی نظیر کاشان را به نام قالی اردکان در فرهنگ مردم این منطقه وارد کرده به طوری که امروزه اکثر تولیدات یزد را شامل می‌شود، عدم ریسک‌پذیری طراحان و تولیدکنندگان یزدی در ایجاد طرح‌هایی با رنگ‌بندی جدید به خاطر وضعیت بازار باعث شده که مانند گذشته به بافت آن مشغول باشند. افزایش سرعت ارتباطات و انتقال طرح و نقش و عناصر رنگ و رنگ‌رزی فرش به مناطق مختلف فرش‌بافی علاوه بر استقبال فوق‌العاده‌ی بازار از فرش نائین و اصفهان باعث شده است که یزد به تقلید از طرح و رنگ فرش‌های آن‌ها نیز بپردازد. همچنین به علت در اختیار بودن انواع رنگ‌ها، مانند دیگر مناطق فرش‌باف برای زیبایی بیشتر فرش‌هایشان از همه‌ی طیف‌های رنگی استفاده می‌نمایند.

عواملی مثل آب و هوا، تندی و شدت نور یا یکنواختی آن، وضعیت خاک، تبادل فرهنگی و مجموعه الگوهای رفتاری و فرهنگی نیز برهنر و صنعت و رنگ فرش یزد تأثیر گذاشته است. پیشرفت فناوری نظیر وجود کارخانه‌های رنگ‌رزی و ورود وسایل و دستگاه‌های جدید دلیل دیگری برای این تأثیرگذاری بوده است.

پوشش گیاهی خاص این استان منجر به کشت گیاهان رنگ‌زایی مانند روناس، اسپرک، گردو، انار و ... و گیاهان دیگری نظیر پنبه که در قالی‌بافی کاربرد داشته، شده است. آب استان یزد از جمله عواملی است که به خاطر دارا بودن ناخالصی‌ها، همچنین رنگ پشم و نوع آن که از نوع پشم زبر و ضخیم می‌باشد، نوع ابریشم مرغوبی که تولید آن سابقه‌ی زیادی در این استان داشته، آشنایی رنگ‌رزان یزدی با رنگ‌ها و شیوه‌ی رنگ‌رزی باعث جلوه‌ی بهتر و بیشتر رنگ‌ها شده و در شفافیت، یا تیرگی، درخشش و مات شدن رنگ فرش یزد تأثیرگذار بوده است.

عواملی که بر جامعه هنرمند تحمیل شده و هنرمند ناگزیر از رعایت آن‌هاست در شکل‌گیری طرح و رنگ فرش این منطقه مؤثر است، به طوری که برای تأمین نیاز خود ناگزیر به تقلید و تولید طرح‌ها با رنگ‌بندی مناطق دیگر می‌شوند.

اکنون دولت نیز با اجرای برنامه‌های مختلف بر رواج فرش‌بافی، افزایش صادرات، استفاده از گیاهان رنگزا و تعیین طرح و رنگ خاص فرش، بر رنگ‌بندی فرش یزد تأثیر گذاشته است. در واقع دولت می‌تواند با سیاست‌هایی که در قبال فرش پیش می‌گیرد در رونق و یا رکود آن مؤثر باشد. ایجاد کارگاه‌های جمعی بافی که در این استان برپا شده، برگزاری دوره‌های آموزشی برای افزایش کیفیت، محدودیت در رنگ‌های شیمیایی و کاربرد بیشتر گیاهان که در منطقه یافت می‌شود و ... تدابیر

استان یزد در این بخش از فعالیت دولت در خصوص حفظ هویت، اصالت و نگهداری و احیای این هنر دیرین در این منطقه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

عوامل مؤثر در کاربرد رنگ در فرش یزد را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی نمود:

الف. ویژگی‌های اقلیمی

۱. منطقه‌ای گرم
۲. کویری
۳. کم‌باران و خشک
۴. آفتاب درخشان و شدت نور
۵. پوشش گیاهی و انواع بومی گیاهان رنگزا
۶. کیفیت آب‌های سطحی و زیرزمینی

ب. ویژگی‌های فرهنگی

۱. تأثیر از فرهنگ پیشین خود (آیین‌ها و باورها)
۲. حفظ ساختار سنتی و هویتی
۳. تناسب با معماری
۴. تأثیر از فرهنگ‌های هم‌جوار
۵. متأثر از تأثیرات حسی و روان‌شناختی
۶. عوامل تحمیل‌شونده بیرونی (مانند سفارش مشتری)

ج. ویژگی‌های اقتصادی و صنعتی

۱. وجود صنایع گوناگون مرتبط در حوزه‌ی نساجی
۲. عبور جاده ابریشم از منطقه
۳. رویکردهای معیشتی

د. ویژگی‌های اجتماعی

۱. درون‌گرایی
۲. در راستای فرهنگ بومی
۳. متناسب با طبقه اجتماعی

منابع

- ادواردز، سیسیل (۱۳۸۱)، قالی ایران، (ترجمه مهین دخت صبا)، تهران، انجمن دوستداران کتاب (بی‌تا).
- آقاجانی کشتلی، جواد (۱۳۸۸)، مطالعه رنگ در فرش ایران با تأکید بر منطقه اصفهان در سده معاصر، (پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر)، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد.
- آیت‌اللهی، سید مهدی (۱۳۷۲)، نقش و رنگ در دستبافته‌های سنتی یزد، (پایان نامه کارشناسی نقاشی)، دانشکده

- هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر تهران.
- بصام، سید جلال‌الدین، فرجو، محمد حسین، ذریه زهرا، سید امیر احمد (۱۳۸۳)، رویای بهشت، جلد ۲، به سفارش سازمان اتکا، تهران.
- به‌آذین، محمد (۱۳۵۶)، قالی ایران، تهران، شرکت سهای کتاب‌های جیبی، چاپ دوم.
- رستگار، نازنین‌السادات و افروغ، محمد (۱۳۸۹)، زیبایی شناسی فرش یزد با نگاهی به طرح، نقش و رنگ، ماه هنر، ۱۴۷، ۱۱۶.
- رمضان‌خانی، صدیقه (۱۳۸۷)، هنر نساجی در شهر یزد، سبحان نور، چاپ اول.
- ژوله، تورج (۱۳۸۱)، پژوهشی در فرش ایران، تهران، یساوی.
- صالحی امیری، سید رضا و کمال آبادی، جواد (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر تعاملی فرهنگ سنتی در توسعه فرهنگی و نقش مدیریت در آن (مطالعه موردی: استان یزد)، مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی، ۳۳-۹.
- صالحی، سمیه (۱۳۹۰)، جایگاه فرش به عنوان عنصر هویت بخش در هتل‌های ایرانی، (پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر)، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر تهران.
- سلطانی، سید حسن (۱۳۶۸)، چگونگی پیوند نقاشی ایرانی و معماری سنتی در یزد، (پایان نامه کارشناسی نقاشی)، پردیس اصفهان، مجتمع دانشگاهی هنر.
- شایسته فر، مهناز (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، نمادگرایی و هویت ملی حاکم بر قالی‌های دوره صفوی، هنر اسلامی، شماره نهم.
- شایسته فر، مهناز و آزاد، میترا (پاییز و زمستان ۱۳۸۳)، کتیبه‌های ابنیه‌ی دوران آل‌بویه، مطالعات هنر اسلامی، شماره اول، ۴۹.
- علمدار یزدی، علی اصغر (۱۳۸۰)، نساجی یزد، همکاری: سید مهدی کرباسی، سبحان نور.
- علی‌محمد اردکانی، جواد (۱۳۸۶)، پژوهشی در زیلوی یزد، تهران، فرهنگستان هنر.
- عنایت، توفیق (۱۳۸۷)، عناصر هویت و فرهنگ ایرانی در آثار هنر اسلامی، ماه هنر، ۸۷، ۳۲.
- قلم‌سیاه، اکبر (۱۳۷۵)، یزد در سفرنامه‌ها، تهران، گیتا.
- نصیری، محمدجواد (۱۳۷۴)، سیری در هنر قالی بافی ایران، تهران، چاپ اول.
- وزیرفر، امیرعباس (دی و بهمن ۱۳۸۱)، کنکاشی در قالی یزد، قالی ایران، ۴۶، ۱۴ و ۱۵.
- هانگلدین، آرمن (۱۳۷۵)، قالی‌های ایرانی، (ترجمه اصغر کریمی)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.